

Heavy *Mehrs* of Gold Coins: An Approach against Islamic Culture and Social Order

Muhammad Shukri*

(Received: 16/07/2020; Accepted: 05/12/2020)

Abstract

Mehr is a gift that a husband gives to his wife and its philosophy in Islamic law and culture is to have a positive effect on creating and increasing love and compassion in couples' relationships. However, in the last two decades, with the advent of heavy *mehrs* in the form of gold coins, it has moved away from the philosophy of its creation and from its positive family approach; on the contrary, it has created an opposite approach, so that by spreading, it has become a cultural phenomenon that causes a change in spiritual and emotional views on the institution of the family turning it into a materialistic and utilitarian view.

This issue has weakened the foundation of families, and resulted in formal or emotional divorce. On the other hand, the current economic situation of the country due to economic sanctions and multiple price increase of gold coins in the short term, besides tempting the implementation of *mehr*, is a factor in growing the demand for gold coins and increasing their price in the market, which due to the role of this commodity and its prominence in society, has led to a general increase in the price of other commodities. Moreover, confiscation of the couple's property to receive the *mehr* will have a negative impact on manufacturing jobs in society. Undoubtedly, this situation is contrary to the public order and has necessitated a legal ban or restriction. This article seeks to review these issues.

Keywords: *Mehr* of Gold Coin, Family Order, Islamic Culture, Social Effects.

* Faculty member of Law Department, Payame Noor University, Tehran, Iran, mshokri.law56@gmail.com.

مهریه‌های سنگین سکه: رویکردی بر ضد فرهنگ اسلامی و نظم اجتماعی

محمد شکری*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵]

چکیده

مهریه هدیه‌ای است که زوج به زوجه می‌دهد و فلسفه‌اش در حقوق و فرهنگ اسلامی تأثیر مثبت در ایجاد و افزایش مهر و عطوفت در روابط زوجین است. اما در دو دهه اخیر با شکل‌گیری مهریه‌های سنگین در قالب سکه طلا، مهریه از فلسفه ایجاد و رویکرد مثبت خانوادگی فاصله گرفته و رویکرد متضاد با آن ایجاد کرده است، به نحوی که با اشاعه آن به پدیده‌ای فرهنگی مبدل شده که نتیجه‌اش تغییر نگاه معنوی و عاطفی به نهاد خانواده و تبدیل آن به نگاهی مادی و منفعت‌طلبانه است. این مسئله تضعیف بنیان خانواده‌ها، و طلاق رسمی یا عاطفی را موجب شده است. از طرف دیگر، وضعیت اقتصادی حال حاضر کشور ناشی از تحریم‌های اقتصادی و افزایش چندین برابری قیمت سکه در کوتاه‌مدت، علاوه بر وسوسه‌انگیز کردن اجرای مهریه، عاملی در افزایش تقاضا برای خرید سکه و کمک به افزایش بیشتر قیمت آن در بازار است که به دلیل نقش این کالا و دست‌کم شاخص‌بودنش در عرف، موجب افزایش عمومی قیمت سایر کالاها شده است. همچنین، توقیف سرمایه و بضاعت زوج برای وصول به مهریه نقش منفی بر کارهای تولیدی در جامعه خواهد گذاشت. این وضعیت بدون تردید مغایر با نظم عمومی جامعه است و تدارک منع یا تحدید قانونی را ضروری کرده است. این مقاله عهده‌دار بررسی این مسائل است.

کلیدواژه‌ها: مهریه سکه، نظم خانوادگی، فرهنگ اسلامی، آثار اجتماعی

مقدمه

نهاد خانواده با عقد ازدواج تأسیس می‌شود و هدفش تشکیل محفلی است تا با تشریک مساعی به تعالی یکدیگر کمک کنند و زمینه ایجاد نسل فردا را نیز در محیطی آرام و پویا فراهم آورند. در باب اهمیت آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما بنی بناء فی الإسلام أحبّ إلى الله عزّ و جلّ من التزویج» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۷). یکی از ملزومات عقد ازدواج مهریه است؛ «مهر» یا «صداق» عبارت از مالی است که معمولاً در حین عقد مرد به زن آینده‌اش می‌دهد. تحلیل «مهر» به «ثمن بضع» صحیح نیست (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۴۶). «مهر» یا «صداق» که به فارسی «کابین» گفته شده، مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌شود و مرد ملزم به دادن آن به زن است. نهاد مهر در ایران مبتنی بر سنت و مذهب است و در حقوق غرب نظیرش یافت نمی‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

خانواده به عنوان اولین رکن اجتماع، از اهمیت خاصی برخوردار است. اصولی که لازمه بقا و سلامت این نهاد باشد، نظم عمومی خانوادگی محسوب می‌شود. نظم عمومی خانوادگی از اجزای مهم نظم عمومی فرهنگی است؛ بین این دو، رابطه از نوع عموم و خصوص مطلق است. بر این اساس، توافقات و قراردادی که ایجاد یا اجرایش نظم عمومی خانوادگی و فرهنگی را مخدوش کند مصداقی از تقابل با نظم عمومی است. وضعیت کنونی قرارداد مهر بدون تردید رنگ اجتماعی به خود گرفته است و نمی‌توان آن را قرارداد خصوصی صرف دانست. وقتی در جامعه با آزادگذاشتن طرفین در تعیین نوع و میزان مهر، نوعی فرهنگ‌سازی اجتماعی رقم می‌خورد، نظارت نکردن و دخالت نکردن دولت در آن تبعاتی جبران‌ناپذیر و فراگیر خواهد داشت، به طوری که به راحتی امروزه دست‌کم هشتاد درصد از مهریه‌ها به صورت سکه تعیین می‌شود.

در وضعیت دشوار و اضطراری کنونی، در زمان نگارش این نوشتار، که قیمت سکه به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است، افزایش قیمت این کالا در طی کمتر از ۸ ماه به ۴ برابر (از دی ۱۳۹۶ تا تیر ۱۳۹۷) و افزایش مجدد آن از آذر ۱۳۹۸ تا اوایل سال ۱۳۹۹ از ۴ میلیون به بیش از ۱۱ میلیون برای هر قطعه سکه تمام‌بهار و در نتیجه افزایش مداوم این کالا گاه به صورت لحظه‌ای، موجب تحمیل تعهدی چندین برابری نسبت به زمان عقد بر زوج است. قواعد مسلم شرعی مبنی بر توجه به مقتضیات زمان و مکان تردیدی در ضرورت رفع این معضل با میلیون‌ها شهروند گرفتار این پدیده منبث از فرهنگ نادرست مادی‌گرایی باقی نمی‌گذارد.

روش تحقیق به صورت کتاب‌خانه‌ای و مبتنی بر تحلیل آثار فقهی، حقوقی، جامعه‌شناختی و اقتصادی است. تمرکز بر مفاهیم مبنایی موضوع است تا با بررسی آثار زیانبار فرهنگ ناصحیح تعیین سکه طلا به عنوان مهریه در جامعه به طور گسترده و فراگیر، بستر تغییرات عادلانه لازم در قوانین موجود ایجاد شود. مبنای نگاه، دوران‌دیشانه و جامعه‌نگر است تا از آثار این پدیده به مثابه یکی از معضلات اجتماعی جامعه ما تصویری واقع‌بینانه ایجاد شود. مگر نه این است که از دلایل تقنین احکام و قوانین، وظیفه رفع کج‌روی‌های اجتماعی است؛ به‌ویژه اینکه اساس موضوع محل بحث به طور خاص ماهیتی اجتماعی دارد. اهمیت این موضوع زمانی برجسته‌تر می‌شود که حوزه معضل، یعنی خانواده، به عنوان هسته اجتماع یادآوری شود تا آنگاه ضرورت چاره‌اندیشی حکمی و تقنینی مناسب روشن شود. امید آنکه فتح بابی در جهت گره‌گشایی از موضوع باشد.

دغدغه این نوشتار آثار زیانبار پدیده نادرست رواج مهریه‌های سنگین سکه است؛ موضوعی که نه‌تنها تضمینی برای بقای نظام خانواده نیست، بلکه با به اجرا گذاشتن مهریه در اولین اختلافات، دامنه اختلافات را به سطح عمیق‌تری می‌برند و اغلب به قطعی شدن جدایی می‌انجامد و بیشترین آسیب از این رویداد به خود زن وارد می‌شود و وی را از داشتن زندگی خانوادگی محروم می‌کند و در عمل، موجب می‌شود سنگ بنای خانواده با آجرهای تفکرات مادی‌گرایی گذاشته شود؛ رهاکردن این توافق‌نامه، فرهنگی را ایجاد کرده و بسط داده است که با اهداف اصلی قرارداد ازدواج، یعنی هم‌زیستی دو شخص به منظور مساعدت و یاری یکدیگر به طور مسالمت‌آمیز و جنبه‌های شخصی و معنوی مغایر است. همچنین، تأثیر منفی آن در نظم اقتصادی، به‌ویژه در اوضاع و احوال فعلی کشور ضرورت تدبیر قانونی را اثبات می‌کند. نظم عمومی خانوادگی و فرهنگی با تأکید بر مبانی تعالیم اسلامی، و نظم عمومی اقتصادی مؤلفه‌های تحلیل این پژوهش است.

۱. نظم عمومی خانوادگی و فرهنگی

فرهنگ به عنوان یکی از زیرساخت‌ها در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی از اهم حوزه‌های نظارتی حاکمیت است؛ زیرا یکی از آثار قانون رویکردهای فرهنگی و

اجتماعی است. غالب افراد جامعه اقدامات حاکمیت را به عنوان هنجار مطلوب می‌پذیرند و می‌کوشند رفتارها و طرز تفکرات خود را نیز بدان جهت سوق دهند؛ در مواقعی که امری حقوقی، مانند مهریه، به واسطه تحولات اجتماعی با انحراف از هدف اصلی‌اش، که افزایش پیوند عاطفی زوجین است، موجب بسط رویدادی فرهنگی علیه خانواده و نهاد ازدواج شده است، قطعاً باید بازنگری شود و صرفاً به بهانه اصل آزادی قراردادی نمی‌توان تبعات فاسد فرهنگی‌اش را نادیده گرفت و باید اصلاحات قانونی لازم برای اصلاح کژی فرهنگی صورت پذیرد.

۱. ۱. مبانی موضوع در اسلام

مهریه در اسلام، مهر مرد به زن است. بعضی از حقوق‌دانان امامیه، مانند سید مرتضی، صدوق و اسکافی، معتقدند مهرالمسمی نمی‌تواند از پانصد درهم تجاوز کند. بنا بر این نظریه، چنانچه بیش از آن مقدار قرار داده شود تا مهرالسنة، یعنی پانصد درهم آن، صحیح خواهد بود و مهر کمتر از ده درهم مکروه است (امامی، ۱۳۸۴: ۳۸۴/۴). ولی مطابق نظر مشهور فقها، مهریه از نظر مقدار محدودیتی ندارد و هر اندازه که راجع به آن تراضی شود، معتبر است (حلی، ۱۴۱۰: ۱۸۸) و به بیانی «الصَّدَاقُ مَا تَرَاضِيَ عَلَيْهِ قَلٌّ أَوْ كَثْرٌ» (طوسی، ۱۳۶۵: ۳۵۴/۷). البته استحباب اکتفا به مهرالسنة و کراهت زائد بر آن (ابن‌بابویه، ۱۴۱۵: ۲۳۴) نیز بیان شده است. قانون مدنی نیز به موجب ماده ۱۰۸۰ همین نظر را پذیرفته است. هرچند اصل بر فقدان محدودیت در میزان مهر به تراضی است، اما از تأکیدات دینی ما کم‌بودن هزینه نکاح و مهر و جمیع امور زندگی است؛ در روایتی کثرت مهریه را موجب شومی زوجه دانسته‌اند و در روایت دیگری قَلَّتْ مَثُونَت (هزینه) زن را مایه برکت، و کثرت مَثُونَت وی را مایه شومی: «مما ورد التأكيد فيه، هو خفة المثونة في النكاح والمهر و جميع امور الحياة. فقد ورد في الحديث: أما شوم المرأة فكثرة مهرها و عقوق زوجها. و في رواية اخرى عن أبي عبد الله عليه السلام: من بركة المرأة خفة مؤنتها و تيسير ولادتها و من شؤمها شدة مؤنتها و تعسير ولادتها» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۱). چنانچه در برهه‌ای از زمان تعیین نوعی خاص از مال همانند مهریه سکه طلا در عصر حاضر، متضمن رویکرهای منافی با فلسفه وجودی آن و رواج ایدئولوژی مادی‌گرایی به عنوان ملاک برای ازدواج باشد، یقیناً از مصادیقی است که می‌تواند موضوع حکم ثانویه واقع شود تا از این توالی فاسد ممانعت گردد؛ کما اینکه در

مصادیق متعددی، از جمله تحریم تنباکو به فتوای میرزای شیرازی، این تدابیر صورت گرفته است. این نوشتار در مقام تحدید و تعیین سقف به طور کلی برای مهریه نیست؛ موضوع بحث نوشتار، مهریه سکه، به‌ویژه در مواقعی است که «سکه و به نحو کلی فی‌الذمه» باشد؛ و این‌گزینه به دلیل شیاع مهریه سکه در اکثر مواقع و آثار زینبار آن است.

از نظر اسلام، حفظ نظام جامعه به طور کلی، اعم از نظام معیشتی و اقتصادی، نظام سیاسی، نظام حقوقی و دیگر نظاماتی که زندگی اجتماعی وابسته به آنها است، ضروری و از اهم واجبات است، و در ضرورت مخالفت‌نداشتن شروط و التزامات قراردادی با نظام اخلاقی تردیدی نیست (فتوای و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۱۴-۲۱۵). در کنار عقد ازدواج، مهریه نیز ناشی از قراردادی است که بین طرفین عقد نکاح منعقد می‌شود. از این‌رو حاکمیت اراده در این توافق نباید تا آنجا پیشروی کند که رویکردی مغایر با اخلاق و نظم عمومی خانوادگی و فرهنگی داشته باشد.

خانواده بنیادی‌ترین و مهم‌ترین واحد اجتماعی است که به عنوان هسته اجتماع آثار منفی و مثبتش به سایر واحدهای اجتماعی سرایت می‌کند. در اسلام، خانواده عزیزترین و محبوب‌ترین بنا معرفی شده است (حر عاملی، ۱۳۸۷: ۲۶۶). دلالت مفهوم آیه ۳۲ سوره نور و احادیث متعدد حکایت از اهمیت ازدواج به عنوان سنت پیامبر ﷺ دارد. بر این اساس، اگر مهریه سکه همچون وضعیت فعلی مانع آن شود، خود، عامل بازدارنده در این زمینه محسوب می‌شود که باید نفی شود.

در زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) عبودیت و بندگی خداوند اساس زندگی بوده است. در تعیین مهریه، خرید جهاز و تمام مسائل خانوادگی ایشان نیز ملاک رضایت خداوند بوده است. علی (علیه السلام) فردای روز عروسی در وصف وی فرمودند: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلٰی طَاعَةِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۷/۴۲)؛ همان همسری که وقتی رسول‌الله ﷺ او را در لباسی از پشم شتر در حال آسیاب‌کردن گندم و شیردادن به فرزندش دید و او را به صبر دعوت کرد، وی بدون هیچ گلابه‌ای درباره وضعیت مالی از پروردگارش سپاس‌گزاری کرد (طبری، ۱۴۱۵: ۳۸۲/۱۰)؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۴۵) و کمبودهای مواد غذایی را به همسرش اطلاع نمی‌داد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۴۳).

در قرآن کریم در آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا

صَالِحاً لِّتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۸۹) زوجه را «لَيْسَكُنْ إِلَيْهَا» و در آیه «وَمَنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا، وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ» هدف آن را «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱) و «مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» را عناصر ازدواج معرفی می‌کند. آیات مذکور هدف و چرایی زندگی خانوادگی را بیان می‌کنند.

علاوه بر ماهیت شرعی و قانونی عقد ازدواج، بدون تردید کیفیت و دوام این عقد مبتنی بر اخلاق است. «اخلاق» جمع «خلق» عبارت از مجموعه ملکاتی است که لزوماً منجر به رفتارهای خارجی می‌شود (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۰۱). هدف از زندگی انسان این است که خود را به انواع کمالات بیاراید و اکتساب صفات حمیده و اخلاق پسندیده کند (نراقی، ۱۳۹۴: ۱۵). منشأ مال‌پرستی و تداوم آرزوهای دنیوی و شهوت‌پرستی، فراموشی و غفلت از پروردگار است (عطاردی، ۱۳۷۸: ۶۷۳/۲). در شرع، مهر افزون بر ۵۰۰ درهم مکروه است (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۶۵)، حال آنکه در حال حاضر مهریه‌های سکه به تعداد بالا تعیین می‌شود. کافی است قیمت ۱۰۰ سکه بهار آزادی برآورد شود؛ ارزش مالی آن برای مردان فقیر و اقشار متوسط و کارمندان، که قسمت اعظم جامعه از همین گروه‌اند، عددی دست‌نیافتنی است، چه رسد به ارقام نجومی از این کالا که به نحوی رایج شده است. بدون تردید مهریه سکه با ارقام معمول در عصر حاضر، در اندیشه مادی‌گرایانه ریشه دارد و حاصل فراموشی رب‌العالمین و فرهنگ قرآنی است. اگر خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲) و صریحاً توجه‌نکردن به ملاک ثروت برای ازدواج را دستور می‌دهد، روند کنونی و تعیین مهریه‌های سکه طلا به عنوان شاخص ارزش ریالی، حقیقتاً ناشی از تفکری برخلاف قول خداوند متعال است و رویکرد شیاع آن در جامعه موجب ترویج هر چه بیشتر اندیشه مادی‌گرایانه و تزلزل و از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی است. رویه جاری موجب بخشی از فرهنگ ازدواج در جامعه شده است، به طوری که اگر مرد تصمیم به ازدواج بگیرد به‌ناچار باید تن به مهریه‌هایی این‌چنینی بدهد؛ و اگر نپذیرد باید قید ازدواج را بزند و از مستحب مؤکد دین مبین اسلام صرف نظر کند یا دست‌کم گزینه‌های انتخابش بسیار محدود شود.

نکاح دائم دو جنبه دارد: جنبه اصلی و عمومی که به زبان علمای اسلام جنبه عبادی است و آن رابطه بسیط زوجیت بین زن و شوهر است. جنبه دیگر، فرعی و خصوصی

است که جنبه مالی نکاح است و در خارج به صورت مهر درمی‌آید. اصول و قواعد مربوط به معاوضات در آن تا آنجایی که به حقوق عمومی و جنبه مذهبی‌اش لطمه وارد نیاید، رعایت می‌شود (امامی، ۱۳۸۴: ۳۷۸/۴-۳۷۹). در نگاه مادی، توانایی درک روابط اخلاقی منتفی می‌شود و ملاک صرف مادیات و فضیلت نیز در همین مقوله معنا می‌یابد؛ حال آنکه اسلام فضیلت را در تقوا می‌داند و در پیوند زناشویی نیز این معیار را معرفی می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۲). پرداختن به مادیات، ملکه مادی‌گرایی و تمرکز بر اسباب ظاهری را تقویت می‌کند و حائل دل در توجه به مسبب‌الاسباب است (غلام جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۳۴). تعبیر به بدترین بدان از کسانی که غمی جز دنیا ندارند و وابستگان به دنیا و کسانی که در بند درهم و دینارند و انتساب گرفتاری امت به این افراد (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۸۳) خود مبین اهمیت و ضرورت دفع زمینه‌ها و انگیزه‌های رواج و شیاع این سبک زندگی است؛ زیرا این رفتارها فرهنگ مغایر با اهداف اسلامی و انسانی را پایه‌گذاری می‌کند. تفکر تجارت‌گونه مهر سکه در عقد ازدواج مبتنی بر نگاه اخلاق‌مدارانه به این پیوند نیست و رویکرد آن تضعیف معیارهای اخلاقی و نحیف‌شدنش در برابر ثروت‌گرایی و اصالت معیارهای مادی است. این در حالی است که فرهنگ قرآنی، زندگی دنیا را لهو و لعب و بازیچه می‌داند و کالای دنیا را «متاع الغرور» (فریبنده) معرفی می‌کند (حدید: ۲۰). یقیناً قانون‌گذار باید به حفظ جنبه اخلاقی قرارداد ازدواج و مهر توجه کند و هر جا رویکرد فرهنگی شیاع این قرارداد، دورشدن جامعه از اخلاق حسنه باشد، با تدبیر قانونی از انحراف ممانعت کند.

نظام سیاسی به معنای شکل و ساخت قدرت دولتی و تمام نهادهای سیاسی، قضایی، اقتصادی، مذهبی و نحوه کارکرد این نهادها و قوانین و مقررات حاکم بر آنها است (ابوالحمده، ۱۳۵۸: ۱۹۷). در چارچوب نظام فکری اسلام، سیاست عملی است که عامل سیاسی با به‌کارگرفتن زمینه و ظرفیت‌های حکومت برای یافتن روش‌های نفوذ در اندیشه و عمل انسان، آنها را به سوی ویژگی‌های معنوی و تعالی اخلاقی هدایت می‌کند و زمینه رواج فضیلت در جامعه را فراهم می‌آورد (شاطری، ۱۳۹۲: ۱۰۴). تحت تأثیر دیدگاه‌های محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری، تدابیر حقوقی از عوامل پشتیبانی مؤثر در استحکام خانواده دانسته شده است (بستان، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۷). قانون‌گذار اسلامی در زمینه حقوق خانواده، به عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه، باید به این وظیفه مهم توجه داشته باشد و با سیاست‌گذاری قانونی از جنبه اخلاقی و معنوی نهاد خانواده صیانت کند.

احکام حکومتی یا احکام ولایی مقررات و دستورهایی است که رهبر جامعه اسلامی در مسائل اجتماعی به منظور مصلحت جامعه صادر می‌کند (جعفری، ۱۳۶۹: ۳۰۵). با توجه به حدوث مسائل جدید در جامعه و ضرورت حل آنها برای تطبیق با مقتضیات زمان، حکومت اسلامی اختیار دارد احکام حکومتی متناسب را صادر کند (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۵؛ همو، ۱۳۷۳: ۹۰/۱). عنصر زمان و مکان نقش تعیین‌کننده‌ای در اجتهاد دارد؛ تحت تأثیر امور حاکم بر روابط سیاست، اجتماع و اقتصاد ممکن است موضوعی به موضوع جدیدی تبدیل شود. در این صورت این موضوع ظاهراً قدیمی و در واقع جدید قهراً حکم جدیدی می‌طلبد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۲۸۹/۲۱). بنابراین، تحدید تجارت و تثبیت قیمت‌ها و اموری نظیر آن چنانچه به صلاح مسلمانان باشد، قابلیت آن را دارد که حکومت اسلامی برایش قانون‌گذاری کند. بدون شک موضوع مهریه سکه در اوضاع و احوال فعلی به موضوع جدیدی تبدیل شده است که نمی‌توان صرفاً به استناد تراضی، احکامش را تعیین کرد، بلکه باید احکام مربوط به آن متناسب و به صلاح جامعه و نظام خانواده باشد.

«هر دولتی برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی در کشور خود و تحقق سیاست‌ها و اهداف اقتصادی اجتماعی خاص، قوانین و مقرراتی وضع می‌کند. در این جهت برخی از فعالیت‌ها ممنوع، برخی تشویق و برخی دیگر محدود می‌شوند» (شیروی، ۱۳۹۴: ۴۹). مطابق تحقیقات میدانی صورت گرفته: «متأسفانه به دلیل دگرگونی در ارزش‌های دینی و اخلاقی مردم، باور به مدیون‌شدن مرد به زن با تعیین مهریه زیاد و باور به هدیه‌بودن مهریه، جای خود را به دیدگاه‌های اقتصادی سپرده است و مردم ارزش‌های اقتصادی را به ارزش‌های معنوی ترجیح می‌دهند. در صورتی که دانشجویان بر این باورند که با پای‌بندی بیشتر افراد به ارزش‌های معنوی و به‌ویژه به سنت‌های پیامبر ﷺ میزان مهریه کاهش خواهد یافت» (قلی‌زاده و غفاریان، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

اگر قناعت، به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی، عبارت از اتکال انسان به حق تعالی و رضا به آنچه دارند و فقدان حسرت و اندوه ناشی از نداشته‌های مادی است (رحیمی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۵۱)، مهریه‌های سکه امروزی به طور حتم مغایر با این شاخصه است؛ زیرا فلسفه توجیهی‌اش به زعم اندیشه‌های مادی‌گرایانه، حمایت مالی از زن و دغدغه رفاه اقتصادی و مادی او است.

۱.۲. مبانی جامعه‌شناسانه موضوع

خانواده نیز از مصادیق موضوع گفتمان حق‌های اخلاقی بوده است (جونز، ۱۳۸۷: ۷).
رسمی که موجب معاملاتی‌شدن نهاد خانواده شود از نظر اخلاقی مردود است؛ زیرا
اساس و بنیاد این نهاد بر هم‌زیستی است نه کسب سود و امتیاز مادی که از ضرر طرف
مقابل به دست آید. در فرآیند فردی‌شدن خانواده، ملاک عمل اشخاص، خواسته‌ها و
منافع خصوصی بدون قید و بند و ارزش‌ها است (Beck and Beck-Gersheim, 2002: 193).

قانون باید سعادت خانواده را در این حوزه میسر کند و تمام مقررات حاکم باید در
جهت نیل به این هدف باشد؛ مهریه به عنوان یکی از تبعات عقد ازدواج نباید هدف
عقد ازدواج را منتفی، کم‌رنگ یا منحرف کند و به جای تقویت پیوند عاطفی و اصالت
جنبه‌های هم‌زیستی و معنوی رویکردی مبتنی بر معامله و کسب سود مادی ایجاد کند.
رویکرد امر حادث به تدریج انحراف از فلسفه و چرایی تشکیل خانواده را سبب
می‌شود؛ بدون تردید در چنین وضعیتی قانون‌گذار، به عنوان رکن مؤثر حاکمیت، باید با
دخالت خود از این واقعه تلخ ممانعت کند.

«در جامعه ایران، در سال‌های اخیر، شاهد افزایش تقاضای اجرای مهریه از سوی زنان
بوده‌ایم. این امر به طور ناخودآگاه حرکتی نمایشی از زنان ترسیم کرده و هر یک از آنان
را در نقش یک اقامه‌کننده دعوا و بازیگر بازی مسئله اجتماعی اجرای مهریه قرار داده
است» (سفیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷). مطابق یافته‌های علمی، انگیزه اجرای مهریه، انتقام از
همسر، انتقام از خانواده همسر، ایجاد مصالحه برای طلاق، تأمین نیازهای اقتصادی، تنبیه
همسر، دریافت حضانت دایمی فرزند (همان: ۱۱۵-۱۰۶) است. آیا در چنین وضعیتی
می‌توان نقش مهریه، به‌ویژه سکه طلا، را کماکان تقویت پیوند عاطفی دانست؟

مهریه سکه طلا به عنوان کالایی که موجب حفظ قدرت اقتصادی و کسب سود
تجاری می‌شود افشاکننده اهداف و رویکردهای بعدی آن است که به‌ویژه در دو دهه
اخیر افزایش یافته و این توافق تبعی هدف عقد اصلی را تحت‌الشعاع قرار داده است؛
رویدادی تلخ که نتیجه دیدگاه‌های مادی‌گرایانه و افکار ماتریالیستی در جامعه در زمینه
ازدواج و بنیان‌گذاری زندگی خانوادگی به عنوان هسته اجتماع است. شارع و
قانون‌گذار اسلامی نمی‌تواند از این مقوله به‌سهولت بگذرد و فقط نظاره‌گر باشد.
عقد نکاح یکی از عقود معینه به شمار می‌رود و به اعتبار جنبه عمومی‌اش، آزادی

اراده در آن نقش مهمی بازی نمی‌کند (امامی، ۱۳۸۴: ۲۷۷/۴). تلقی کردن مهر به عنوان نوعی قرارداد خصوصی صرف و احساس آزادی کامل در این زمینه به دلیل بی‌توجهی به آثار عمیق اجتماعی و فرهنگی آن است. «مهریه سکه» عقد غیرمالی ازدواج را به وسیله و ابزاری اقتصادی و مالی تبدیل کرده است. چنانچه تعداد این سکه‌ها چشمگیر باشد، و جنبه غالب به خود بگیرد، به نحوی که امروز شیاع دارد، نباید در مخالفت آن با نظم عمومی و اخلاق حسنه تردید کرد.

در برهه‌ای که مهریه نقش اهرم فشار زن بر مرد را ایفا می‌کند، چگونه می‌توان هنوز مهریه را صدق مرد به زن (نساء: ۴) دانست؟ این نقش منافی رسالت اصلی عقد ازدواج است و بدون شک حسابگری معامله‌گرانه جای مودت و رحمت و همکاری را می‌گیرد و تعامل و تفاهم را ریشه‌کن می‌کند یا جز سایه‌ای دروغین از آن باقی نمی‌گذارد. این رویه ازدواج را میدان رقابت و مقابله می‌داند نه تعاون.

«در حدیثی از امام زمان علیه السلام آمده است: و أما الحوادثُ الواقعةُ فأرجعوا فیها الی رِوَاةِ آحادیننا فانهم حجتی علیکم فیها و أنا حجۃُ الله علیهم؛ و اما هنگام وقوع حوادث جدید، برای تعیین تکلیف خود به روایان حدیث ما رجوع کنید؛ چراکه آنها حجّت من بر شما و من حجّت خدا بر آنان هستم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۱/۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۱). احکام حکومتی یکی از طرق تأثیر زمان و مکان در فقه است. حاکم شرع با لحاظ مصلحت می‌تواند حکم جدیدی صادر کند؛ در این صورت حکم ابتدایی به حکم حکومتی تبدیل می‌شود (درویشی هویدا، ۱۳۸۱: ۷۴). از مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از افزایش مهریه افزایش سن ازدواج و تأمین نشدن نیازهای روحی و جسمی جوانان است (قلی‌زاده و غفاریان، ۱۳۹۰: ۱۲۸) و نمی‌توان از آن با توجیه مانعی برای طلاق و جدایی دفاع کرد؛ حال آنکه این نتیجه یا حاصل نمی‌شود یا بعضاً اگر محقق شود نتیجه‌ای جز طلاق عاطفی و در حالت خوش‌بینانه اجبار مرد به زندگی بی‌روح و سرد ندارد. کافی است توالی فاسدش، مانند زندگی توأم با درگیری و آثار مخرب روحی و روانی و جسمی بر فرزندان به عنوان اعضای فعال آینده جامعه، یادآوری شود و گاه به فساد اجتماعی ناشی از روابط نامشروع متأهلان رسمی می‌انجامد و از همه مهم‌تر، خودداری مردان از ازدواج به دلیل فرهنگ مهریه سکه و ترس از بار مالی و کیفری آن و در نتیجه تجرد دائمی بسیاری از زنان و رواج ازدواج موقت یا روابط نامشروع از

پيامدهای زيانبار آن است. بنابراین، مهریه سکه با وضع فعلی عامل تساوی حقوق زن و مرد نیست، بلکه عامل شقاوت زنان و مردان و جامعه است.

از نیمه دوم دهه سوم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نرخ ازدواج سیر نزولی را طی کرده و از رقم ۱۲/۱ در سال ۱۳۸۹ به ۸/۷ در هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۴ رسیده است (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۲۲). در این سالها عمومیت ازدواج، به ویژه در زنان، با کاهش مواجه بوده است (همان: ۲۴). بر پایه اطلاعات رسمی در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۱ میلیون دختر و پسر ازدواج نکرده در سن متعارف ازدواج در کشور وجود داشته است (همان: ۲۵). به تصریح گزارش رسمی مراجع دولتی «به طور کلی افزایش سن ازدواج برای زنان بیشتر از مردان بوده است» (همان: ۲۶).

بر اساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال، در سال ۱۳۸۶، تعداد ۷۳۸۸۲ طلاق ثبت شده است. این پدیده با افزایش مستمر در سال ۱۳۸۸ به ۱۲۵۷۶۷ رسیده است (معاونت آمار و انفورماتیک سازمان ثبت احوال، ۱۳۸۹: ۹۱). همچنین، کاهش ممتد نسبت ازدواج به طلاق به طور معنادار از ۹/۸ در سال ۱۳۸۳ به ۷/۱ در سال ۱۳۸۸ در خور تأمل است (همان: ۸۳). بر اساس این آمار رسمی «نرخ خام طلاق با استفاده از داده‌های ثبتی در طی سالیان گذشته روند افزایشی داشته است که نشان از افزایش تعداد طلاق در جامعه است». متغیرهای فرهنگی و اجتماعی از عوامل مؤثر دانسته شده است (همان: ۸۹).

در سال ۱۳۸۸ در کشور در هر ساعت ۱۴ طلاق و در هر شبانه‌روز ۳۴۵ طلاق ثبت شده است. تغییر طلاق در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال قبل ۱۳/۸ درصد افزایش داشته است (همان: ۹۰). بر اساس آمار رسمی، تعداد ازدواج‌های ثبت شده کشور در سال ۱۳۹۰ برابر با ۸۷۴۷۹۲ بوده که این رقم با کاهش ۲۱ درصد به ۶۸۵۳۵۲ ازدواج در سال ۱۳۹۴ رسیده و طلاق در سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۴۲۸۴۱ ثبت شده که با ۱۴/۶ درصد افزایش در سال ۱۳۹۴ به رقم ۱۶۳۷۶۵ رسیده است (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۱۶). همزمانی روند کاهش میزان عمومی ازدواج با روند افزایشی سن در اولین ازدواج، تأمل برانگیز است. افزایش سن در اولین ازدواج به معنای از دست دادن فرصت‌های احتمالی باروری برای زوجین خواهد بود (همان: ۳۱).

از سوی دیگر، در مدت کوتاهی قیمت سکه و طلا به سرعت افزایش یافته، در حالی که غالب مردان جامعه کارمند یا کارگر و از قشر متوسط و ضعیف‌اند و از طرف دیگر

بدون افزایش درآمد به دلیل کاهش ارزش پول ملی قدرت خرید ضروریات زندگی به یک‌سوم یا کمتر کاهش یافته است. لذا تحمیل مهریه سنگین در قالب سکه به مردان بدون تردید از نظر اخلاق حسنه ناپسند است. در اجتهاد اخلاق لحاظ می‌شود. علاوه بر دنیاگران‌بودن، که به نظر برخی از فقها از شروط اجتهاد است (ضیایی‌فر و فیروزی، ۱۳۹۶: ۸) و خود منشأ حصول صفات اخلاقی مجتهد است، توجه به آموزه‌های اخلاقی دین هم موجب استنباطی دیگر از حکم فقهی می‌شود (ضیایی‌فر، ۱۳۸۹). گاه آموزه‌های اخلاقی قوی‌الدلاله باعث تقیید اطلاق احکام فقهی می‌شود و حتی اگر دلالت دلیل آموزه‌های اخلاقی بسیار قوی‌تر از دلالت دلیل حکم فقهی باشد می‌تواند آن را تخصیص بزند (همان). اطلاق آزادی دامنه و کیفیت تعیین مهر سکه طلا در وضعیت کنونی با توجه با آثار مخرب آن بر نظام خانواده و بی‌عدالتی در پرداخت سکه با قیمت ۱۰ برابری در طی مدتی کوتاه با اخلاق مغایر است و تقیید آن اخلاقی است. برخی نیز در باب تأثیر اخلاق بر اجتهاد به چند حیث شامل فقه‌الاخلاق، اخلاق عملی و پایه و بنیان‌بودن اخلاق برای فقه‌الاخلاق و فقه‌الصفات اشاره کرده‌اند (اعرافی، ۱۳۹۶). این موضوع به عنوان مبنای تشریح و تعیین احکام فقهی و حقوقی متناسب، از ضرورت کافی برخوردار است تا محدودیت‌هایی بر قصد قراردادی مهریه ایجاد کند؛ چراکه هدف از احکام حقوقی چیزی جز رفع نیازهای موجود نیست و اساساً اصطلاح «فقه پویا» در متناسب‌سازی احکام با اقتضائات زمان و مکان معنا می‌یابد.

از آنجا که مصلحت و مفسدت به عنوان مبنای احکام شرعی اموری ثابت و همیشگی نیستند و بسیاری از احکام ناشی از مقتضیات زمان و مکان است، چنانچه اوضاع و احوال تغییر کند، مصالح و مفاسد مربوط به آن نیز تغییر می‌کند و در نتیجه حکم نیز تغییر خواهد کرد (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۷/۲).

محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد، چه اجتماعی باشد چه فیزیکی، تحت تأثیر آن رفتار قرار می‌گیرد و این محیط متأثر از این رفتار به شیوه‌های گوناگون بر رفتار بعدی تأثیر می‌گذارد (ریترز، ۱۳۹۲: ۴۰۸). تبدیل‌شدن نهاد ازدواج به وسیله‌ای برای کسب سود مادی چشمگیر و شیاع مهریه سکه، رفتارهای بعدی آنها را نیز متأثر می‌کند و معیار سود مادی، ملاک نگرش به سایر مسائل خواهد شد. مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که توجه کنیم که این رویداد راجع به خانواده، به عنوان هسته جامعه و مهد پرورش نسل

آینده، رخ داده است که با رواج و عمومیت آن به فرهنگ در این بخش مهم و تأثیرگذار، پیامدهای منفی بسیار در ابعاد مختلف اجتماعی دارد. «جامعه‌شناس رفتاری با رابطه میان تأثیرهای رفتار کنشگر بر محیط و تأثیر این رفتار بر رفتار بعدی کنشگر سر و کار دارد» (همان). «وقتی یک واکنش معین تقویت می‌شود رشته گسترده‌ای از واکنش‌های مشابه در همان زمان خواه‌ناخواه تقویت می‌شود» (همان: ۴۱۲). بنابراین، ضرورت دخالت مقنن در اصلاحات قانونی لازم برای تحدید و منع این عرف مخرب در حال توسعه، روشن و بدیهی به نظر می‌رسد.

۲. اخلال در نظم اقتصادی

علاوه بر صریح قانون به عنوان مرز آزادی قراردادی، در کنار قوانین نوشته هر کشور، قواعد محترمی وجود دارد که باید حقوق‌دانان و رویه قضایی آن را کشف کنند؛ قواعدی که مبنای آنها منافع عمومی و حمایت از معنویت اخلاقی در قراردادها است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۰۳/۲). از جهت رویکرد اقتصادی اجتماعی در وضعیت فعلی و آتی، اجرای مهریه‌های سکه و طلا یکی از علل مهم مشکلات اقتصادی کشور است، به طوری که موجب دامن‌زدن به گرانی سکه و طلا به عنوان یکی از کالاهای شاخص در تعیین قیمت سایر کالاها شده است و این مسئله ناشی از تقاضایی است که مردان در حال پرداخت مهریه به بازار وارد می‌کنند. «در نظم عمومی اقتصادی به مفهومی که امروز وجود دارد، دولت در پی آن است که اقتصاد را رهبری کند و قراردادهای خصوصی را نیز به عنوان عامل توزیع ثروت، در نظارت خود بگیرد. پس نه تنها آثار این پیمان را به طور امری بر دو طرف آن تحمیل می‌کند، گاه آزادی پیمان‌بستن یا خودداری از آن را از اشخاص می‌گیرد» (همو، ۱۳۸۵: ۱۶۶/۱).

گزارش‌های منعکس‌شده در رسانه‌ها نیز خود افشاکننده و سوسه‌انگیز بودن سکه ۱۰ میلیونی برای اجرای آن و در نتیجه وقوع طلاق است (<https://www.hamshahronline.ir/news/543418/>). به اجرا گذاشتن مهریه سکه در وضعیت فعلی که قیمتش به سرعت افزایش می‌یابد برخلاف عدالت است و آثار آن در اختلال اقتصادی جامعه دیده می‌شود. زیرا طلا به عنوان کالایی راهبردی در اقتصاد نقشی تعیین‌کننده دارد و افزایش قیمت آن متأثر از قانون عرضه و تقاضا به عنوان نوعی

دارایی ارزشمند موجب اثرگذاری بر رویدادهای مالی و اقتصادی است؛ به طوری که افزایش قیمت سکه موجب گرانی سایر کالاها نیز خواهد شد. این تقاضا برای پرداخت مهریه سکه به دلیل رجوع به بازار طلا صورت می‌گیرد (مشایخ و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۷). از سوی دیگر، صعود بها در وضعیت نامساعد و هیجانی موجب می‌شود قیمت سایر کالاها نیز افزایش یابد.

دولت برای رسیدن به اهداف خویش نظمی را برقرار می‌کند که قراردادها باید پیرو آن باشند؛ لذا نظم عمومی اقتصادی پیوسته در حال دگرگونی و تحول است و این سیر تند و دائمی را قانون‌گذار رهبری می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳۷/۱). نظم عمومی اقتصادی را قانون‌گذار برقرار می‌کند و در راه اجبار اشخاص مانعی پیش رو نمی‌بیند. کافی است به تاریخ روابط «موجر و مستأجر»، و «کارگر و کارفرما» در ایران توجه شود تا جویبند دریابد که چگونه سیاست اقتصادی دولت در نظم عمومی مؤثر واقع می‌شود (همان: ۱۳۷/۱). اگر روزگاری وضعیت اقتصادی جامعه ایجاب کرد که اثر قرارداد خصوصی اجاره تحدید شود، تمدید عقد اجاره را بر مالک تحمیل خواهد کرد. این دخالت در تحدید آثار قرارداد مهر در وضعیت فعلی ضرورت بیشتری دارد.

اگر فلسفه حقوق و قانون‌گذاری، حصول عدالت و نظم در جامعه است، رویکرد منفی اقتصادی آزادی مطلق اراده در این قرارداد خصوصی و تراضی مهریه، بدون چارچوب، برخلاف مصلحت و نظم عمومی جامعه است. ترجیح حق جامعه بر حق فردی مسلم است، خصوصاً که حقوق فردی در پرتو حفظ حقوق اجتماعی می‌تواند مفید باشد و خدشه در نظم عمومی، به عنوان مصداقی مهم از حق جامعه، بستر فایده حقوق فردی را نیز در طول زمان منتفی و مضر می‌کند. تأثیر منفی اجرای مهریه‌های سکه با لحاظ آمار و ارقام پرونده‌های اجرایی و آمار میدانی طلاق، از عوامل مسلم و مؤثر در افزایش تقاضا و در نتیجه گرانی این کالای شاخص در تعیین و افزایش سایر کالاها است. بنابراین، در چنین اوضاع و احوالی، وظیفه قانون‌گذار است که برای صیانت از نظم عمومی اقتصادی بر آزادی مطلق اراده ناشی از ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی و اناطه میزان مهر صرفاً به تراضی طرفین، بر این دسته از قراردادهای خانوادگی افسار زند؛ با اصلاحات لازم قانونی حداکثر تعهد متعهد (زوج) محدود به قیمت متعارف شود و هر چه زودتر قانونی وضع گردد که به موجب آن در آینده تعیین سکه و طلا به

عنوان مهر ممنوع و بی‌اثر شود؛ راجع به عقود گذشته نیز تعهد ناشی از آن محدود به قیمت متعارف شود، تا از تأثیرات مخرب این عامل مهم در جامعه جلوگیری کند.

۳. تعذر پرداخت و مقدور نبودن مهریه

در ارائه نظر مبتنی بر نفی مهریه‌های سکه طلا در وضعیت فعلی، یکی از مبانی، قاعده فقهی «بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» به عنوان قاعده‌ای حاکم بر همه عقود و معاملات (بجنوردی، بی‌تا: ۲۵۵) است؛ مطابق این قاعده، تعهد به امری که وفای به آن متعذر باشد، باطل است. دامنه این بطلان عام است و علاوه بر عین معین، مصادیق کلی و تعهد به فعل را نیز در بر می‌گیرد. میزان مهریه‌های سکه، که در حال حاضر رواج دارد، دست‌کم نسبت به اکثر مردان جامعه ایران، نمونه‌ای بارز از مصادیق این قاعده فقهی است. در اوضاع و احوالی که زوج کارمند یا کارگر است یا درآمد محدودی دارد، پرداخت حتی پنجاه سکه با ارزش ریالی سکه به میزان ده میلیون یا بیشتر در حقیقت متعذر است. این ناممکن بودن، زمانی روشن‌تر می‌شود که نوسان افزایش قیمت در مدتی کوتاه فاصله‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر را بین درآمد و دارایی زوج در مقایسه با زمان عقد ایجاد کند.

از مصادیق حدیث رفع «آنچه نمی‌دانند» (ما لایعلمون) و «آنچه طاقت آن را ندارند» (ما لایطیقون) است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۳) که مقصود از آن رافعیست همه آثار است (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۴۸). در وضعیت کنونی که ظرف سه سال (از زمستان ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹) قیمت سکه از یک میلیون به دوازده برابر و گاه هفده برابر می‌رسد، بدون تردید الزام به پرداخت سکه به قیمت روز، از جهت بی‌سابقه بودن میزان تورم، نسبت به عقود منعقد در قبل از تورم نامتعارف، مشمول «ما لایعلمون» و نسبت به غالب و عموم مردان از جهت ناتوانی در پرداخت مشمول عنوان «ما لایطیقون» است. الزام مردان به چنین پرداختی عرفاً و نوعاً خارج از تحمل و طاقت است، به طوری که به واسطه تورم و افزایش قیمت سکه، تعهد میلیونی سابق، تبدیل به تعهدی میلیاردی شده و نوعاً با توجه به درآمدشان به هیچ وجه مادام‌العمر هم توان پرداخت ندارند. در نتیجه، چنین الزامی برخلاف مضمون حدیث رفع است. زیرا بر اساس مضمون قاعده رفع، این‌گونه از تعذر نوعاً دائمی، منافی شمول «اوفوا بالعقود» در این نوع از قراردادهای مهریه است. همچنین، موضوع معامله باید مقدور باشد. هنگامی که موضوع عقد عین معین

است، باید قابلیت تسلیم به منتقل‌الیه داشته باشد و اگر موضوع عقد، تعهد است، این تعهد باید مقدور باشد. چنانچه تعهد موضوع عقد، انجام‌دادن فعلی است در صورتی عقد صحیح است که قابلیت انجام داشته باشد، در غیر این صورت عقد به دلیل انتفاء موضوع در عمل فاقد اثر است. از این‌رو نتیجه عقد نامقدور بطلان است. فقها بر این اثر وضعی اتفاق دارند و قانون مدنی نیز در مواد ۳۴۸ و ۴۷۰ بدان تصریح کرده است. درباره مهریه اگر به نحو عین معین باشد و از ابتدا قابلیت تسلیم نداشته باشد، به تصریح قاعده عمومی قراردادها مطرح‌شده در مواد ۳۴۸ و ۴۷۰ قانون مدنی، قرارداد مهر باطل است. بر این اساس، متعاقباً می‌تواند راجع به مهر توافق کنند، اما اگر قبل از تعیین نزدیکی صورت پذیرد، به موجب منطوق ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی زن مستحق مهرالمثل است که با توجه به امثال و اقربان و موقعیت زوجه، حاکم آن را تعیین می‌کند (ماده ۱۰۹۱ ق.م.). در مواقعی که مهر عین معین حین توافق بر مهر مقدورالتسلیم بوده اما بعداً نامقدور شده (مثلاً مهریه ۱۰ عدد سکه معین بوده و در سفر دریایی به دلیل سقوط در اقیانوس ناپدید شده باشد)، بر اساس نظریه قاعده‌بودن ماده ۳۸۷ قانون مدنی باید قائل به انفساخ عقد مهریه از لحظه وقوع حادثه بود.

هر گاه مهریه به صورت کلی فی‌الذمه باشد و همانند موضوع محل بحث نوشتار و مبتلابه در جامعه سکه طلا به عنوان مهریه تعیین شود، چنانچه پرداخت تعداد سکه‌ها با توجه به توان مالی زوج مقدور نباشد به عنوان تابعی از نامقدوربودن تحلیل‌پذیر است، چراکه هدف از قاعده بطلان و انفساخ در موضوع نامقدور، ناممکن‌بودن اجرا است. در چنین اوضاع و احوالی، با توجه به ضرورت شرط قدرت معلوم و حداقل تردید در قدرت تسلیم باید به دلیل غرری‌بودن، تعهد را باطل دانست (شهیدی، ۱۳۶۸: ۱۰۲ و ۱۰۳). در بیان ضمانت اجرای مناسب باید گفت اگر میزان سکه‌های تعیین‌شده متعاقباً به دلیل تورم و افزایش قیمت نامتعارف خارج از توان زوج شود، به نحوی متعاقباً نامقدور شده است؛ از این‌رو بخش افزایش قیمت نامتعارف را باید اجرانشدنی دانست. بر این مبنا، چنانچه همانند آنچه اخیراً رخ داده است، در برهه‌ای کوتاه از زمان قیمت سکه به نحو نامتعارف نسبت به حین‌العقد افزایش یابد آن را باید نامقدور دانست. مثلاً مرد کارمندی در سال ۱۳۹۶ ازدواج کرده است. وی پنجاه سکه طلا را به عنوان مهریه به نحو کلی فی‌الذمه تعهد می‌کند. در سال ۱۳۹۷ یا ۱۳۹۸ زوجه مهریه را

مطالبه می‌کند، در حالی که قیمت سکه به چهار یا پنج میلیون رسیده است. در چنین وضعیتی، یعنی تعهد پنجاه میلیونی وی به دویست میلیون افزایش یافته است که با توجه به شغل وی و نامتعارف بودن افزایش بها می‌توان آن را نامقدور دانست؛ دست‌کم اینکه میزان افزایش نامتعارف را مطالبه‌ناپذیر دانست. این تحلیل با در نظر گرفتن وضعیت مرد و جامعه نیز به انصاف نزدیک‌تر است. ضمن اینکه دلایل و مبانی مخالفت با نظم خانوادگی و اقتصادی آن نیز قبلاً ذکر شد.

نتیجه

بر اساس نظر مشهور فقها، میزان مهریه با تراضی طرفین تعیین می‌شود و محدود به سقف معینی نیست، هرچند اصل مزبور مبتنی بر اصل حاکمیت اراده است و عقلانی است، اما در عصر حاضر نوع خاصی از مهریه، یعنی سکه طلا، به طرز فراگیری رواج یافته است. این رویداد تبعات ناخوشایند فرهنگی را موجب شده است. این رویه ناشی از نگاه ماتریالیستی به ازدواج و تشکیل خانواده است و چنانچه تدبیری برای اندیشیده نشود در آینده شدت بیشتری به خود می‌گیرد. سنت پیامبر ﷺ و پیشوایان دین مبنی بر مهریه‌های سبک به بوته فراموشی سپرده شده و موجب شده است معیارهای اخلاقی و معنوی، که ثبات و استحکام نظام خانواده و سعادت جامعه در گرو آن است، به نحو محسوسی کم‌رنگ شود.

این وضعیت به‌ویژه با تعالیم اسلامی و نظم عمومی خانوادگی و فرهنگی جامعه مغایر است. علاوه بر این، پدیده مهریه سکه به نحو رایج در عصر کنونی با توجه به ویژگی‌های خاص این کالا و شاخص‌بودنش، تبعات فاسد اقتصادی نیز به دنبال دارد؛ به طوری که با در نظر گرفتن آمار طلاق روزافزون، بازار با هجمه‌ای از تقاضای سکه از سوی مردان درگیر طلاق مواجه است. تبعات این واقعیت به دلیل شاخص‌بودن طلا از نظر اقتصادی، عاملی مؤثر در تشدید بحران اقتصادی جامعه محسوب می‌شود.

مشکلات اجتماعی به‌وجودآمده به دلیل نزدیک‌شدن ازدواج به معامله و سوداگری، آثار زیانبار فروپاشی نظام خانوادگی حاصل از وسوسه اجرای مهریه به دلیل افزایش لحظه‌ای قیمت آن، حبس زوج یا فرار وی به خارج از کشور، توقیف سرمایه زوج مشغول به کار تولیدی یا خدماتی و تعطیلی کار و اشتغال او به دلیل اجرای مهریه و تشدید بحران اقتصادی میلیون‌ها شهروند و به تبع اقتصاد ملی، خودداری مردان مجرد

از ازدواج به دلیل مهریه، افزایش زنان مطلقه ناشی از وسوسه اجرای مهریه، افزایش روابط نامشروع و تشدید وضعیت بحران اجتماعی و فرهنگی، همگی حاکی از مغایرت اجرای قرارداد خصوصی مهریه با نظم عمومی و اخلاق حسنه مذکور در ماده ۹۷۵ قانون مدنی و مبنای قاعده «الضرورات تبیح المحذورات» و امثال آن است. وظیفه قانون‌گذار است که به این موضوع، که بی‌تردید با نظم عمومی جامعه مرتبط شده است، رسیدگی کند و به این پدیده با آثار زیانبار فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی سامان دهد. این وضعیت با ابزار شرعی فقه پویا، یعنی حکم ثانویه و تدابیر قانون‌گذاری در منع یا تحدید تعیین سکه به عنوان مهر، قابلیت درمان و پیش‌گیری دارد.

منابع

قرآن کریم.

«گزارش میدانی همشهری آنلاین از بهانه‌های جدید و کهنه جدایی؛ صف مهریه در روزگار سکه ۱۰ میلیونی، روایت‌هایی تلخ از ازدحام برای بده‌بستان مهریه در دفاتر اسناد رسمی در دوران قرمز کرونا» (۴ شهریور ۱۳۹۹). در: <https://www.hamshahronline.ir/news/543418/>

ابن بابویه، علی (۱۴۱۵). *المقنع*، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۸). *مبانی علم سیاست*، تهران: دانشگاه تهران.

اعراف‌فی، علی‌رضا (۱۴ مرداد ۱۳۹۶). «اخلاق از پایه‌های اجتهاد است»، در: <http://vasael.ir/fa/news/5877/>

امامی، حسن (۱۳۸۴). *حقوق مدنی*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، چاپ هجدهم.

بجنوردی، سید حسن (بی‌تا). *القواعد الفقهية*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۷.

بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). *حکمت اصول سیاسی اسلام*، تهران: بنیاد نهج البلاغه.

جونز، پیتر (۱۳۸۷). *مفاهیم بنیادین حقوق*، ترجمه: سید رضا حسینی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

حاکم حسکانی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلة فی اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم*، تحقیق و تعلیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، طهران: مجمع أحیاء الثقافة الاسلامیة.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: تبیان.

- حسن زاده، صالح (۱۳۹۲). «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، در: معارف قرآنی، دوره ۴، ش ۱۵، ص ۴۵-۶۸.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰). *الحیاء*، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۰). *المختصر النافع فی فقه الامامیه*، تهران: مؤسسه البعثه، الطبعة الثالثة.
- درویشی هویدا، یوسف (۱۳۸۱). «زمان و مکان در فقه: تحولات قانون‌گذاری در حقوق زنان»، در: پژوهش زنان، ش ۳، ص ۶۷-۸۵.
- رحیمی اصفهانی، غلام‌حسین (۱۳۶۸). *اخلاق اسلامی*، قم: مؤلف.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۲). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ هجدهم.
- سفیری، خدیجه؛ ودادبیر، ابوعلی؛ طالبی اردکانی، سمیه (۱۳۸۸). «برساخت اجتماعی و فرهنگی مسئله اجرای مهریه در ایران: مطالعه کیفی انگیزه‌های زنان شیرازی از به اجرا گذاردن مهریه‌های خود»، در: علوم اجتماعی، دوره ۱۶، ش ۴۴، ص ۸۹-۱۲۱.
- شاطری، روح‌الله (۱۳۹۲). *مسئولیت اخلاقی حکومت دینی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شایگان، سید علی (۱۳۷۵). *حقوق مدنی*، قزوین: طه، چاپ اول.
- شهیدی، مهدی (۱۳۶۸). «قدرت بر تسلیم مورد معامله»، در: *کانون وکلا*، ش ۱۴۸ و ۱۴۹، ص ۸۹-۱۰۳.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۴). *حقوق تجارت بین‌الملل*، تهران: سمت، چاپ هشتم.
- صفایی، سید حسن؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۹). *مختصر حقوق خانواده*، تهران: میزان، چاپ بیست و پنجم.
- ضیایی فر سعید؛ فیروزی، مرتضی (۱۳۹۶). «صفات اخلاقی تأثیرگذار بر اجتهاد»، در: *پژوهش‌های اخلاقی*، س ۷، ش ۴، ص ۱-۱۳.
- ضیایی فر، سعید (۱۳۸۹). «گونه‌های تأثیر اخلاق در فقه و اجتهاد»، در: فقه، دوره ۱۷، ش ۶۴، ص ۱۶۶-۲۰۱.
- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن (۱۴۱۵). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، حقه و علق علیه: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائين، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید*، گردآورنده: محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). *الغیبة*، بیروت: المعارف الاسلامیه.
- طوسی، نصیرالدین محمد (۱۳۷۳). *اخلاق ناصری*، تصحیح: مجتبی مینوی و علی رضا حیدری، تهران: خوارزمی.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۸). *ترجمه الأیمان والکفر بحار الانوار*، تهران: عطارد.
- غلام جمشیدی، محمدصادق (۱۳۸۸). *اسراف در قرآن و حدیث*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- قلی زاده، آذر؛ غفاریان، سحر (۱۳۹۰). «آسیب‌شناسی مهریه و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن»، در: *جامعه‌شناسی زنان*، س ۲، ش ۱، ص ۱۲۱-۱۴۰.

قنواتی، جلیل؛ وحدتی شبیری، سید حسن؛ عبدی پور، ابراهیم (۱۳۷۹). حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: سمت.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). حقوق ملنی: قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حقوق ملنی: قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام بیروت: الوفاء.

مشایخ، شهناز؛ و همکاران (۱۳۹۱). «نوسانات قیمت طلا در بازار ایران و جهان»، در: پژوهش

حسابداری، س ۲، ش ۷، ص ۱۰۱-۱۲۴.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). ختم نبوت، تهران: صدرا.

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۹۵). گزارش وضعیت زنان و خانواده در آینه آمار

طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۵، در:

<http://women.gov.ir/uploads/images/gallery/ejtemaee/mostanad/ayene.pdf>

معاونت آمار و انفورماتیک سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۹). مجموعه آمارهای جمعیتی کشوری

(ولادت، فوت، ازدواج، طلاق) (خبرداد ۱۳۸۹). ش ۴، در:

<https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/eteljamiyat88.pdf>

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). انوار الفقاهة فی شرح تحریر الوسيلة: کتاب النکاح، تهران: مؤسسه تنظیم

و نشر تراث الامام الخمينی (س)، الطبعة الاولى.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ

پنجم.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵). انوار الهدایة فی التعالیقة علی الکفایة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی، ج ۲.

نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۹۴). معراج السعادة، قم: پیام مقدس، چاپ چهارم.

نراقی، ملا احمد (۱۴۱۷). عوائد الأيام فی بیان قواعد الاحکام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،

چاپ اول.

Beck, Uilrich; Beck-Gernsheim, Elisabeth (2002). Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequences, London: Sage.

References

The Holy Qurān

- ‘Āmilī Juba‘ī (Shahīd Thānī), Zayn al-Dīn ibn ‘Alī. 1999. *Al-Rawḍah al-Bahīyah fī Sharḥ al-Lum‘ah al-Dimashqīyah (The Beautiful Garden in the Explanation of the Damascus Shine)*, Qom: Mu’assisah Ismā‘īlīyān, Fifth Edition, vol.3. [in Arabic]
- ‘Aṭārudī, ‘Azīzullāh. 1999. *Tarjimah al-Īmān wa al-Kufr Bihār al-Anwār (Translation of the Chapters of Faith and Disbelief of Bihār al-Anwār)*, Tehran: ‘Aṭārud. [in Farsi]
- A‘rāfi, ‘Alī Riḍā. 8/5/2017. "Akhlaq az Pāyi-hāyi Ijtihād Ast (Ethics is one of the Foundations of Ijtihad). <http://vasael.ir/fa/news/5877/>
- Abu al-Ḥamd, ‘Abd al-Ḥamīd. 1979. *Mabānī-yi ‘Ilm-i Sīyāsāt (Fundamentals of Political Science)*, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
- Āqākhānī, Kāmran et al. 2002. "Barrisī-yi Khushūnat-i Phīzīkī Tawassuṭ-i Hamsar ‘alayh-i Zanān (Investigation of Physical Violence by Spouses against Women)". In: *Journal of Iran University of Medical Sciences*, yr.9, no.31, pp.485-489. [in Farsi]
- Beck, Uilrich; Beck-Gernsheim, Elisabeth. 2002. *Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequences*, London: Sage.
- Bujnūrdī, Siyyid Hasan. n.d. *Al-Qawā‘id al-Fiqhīyah (Jurisprudential Principles)*, Qom: Mu’assisah Maṭbū‘ātī-yi Ismā‘īlīyān, vol.7. [in Arabic]
- Bustān (Najafī), Ḥusīyn. 2011. *Jāmi‘ihshināsī-yi Khāniwādih bā Niḡāhī bi Manābi‘-i Islāmī (Sociology of the Family with a Look at Islamic Sources)*, Qom: Hawzah and University Research Institute. [in Farsi]
- Darwīshī Huwīydā, Yūsuf. 2002. "Zamān wa Makān dar Fiqh; Taḥawwulāt-i Qānūnguzārī dar Ḥuqūq-i Zanān (Time and Place in Jurisprudence; Legislative Developments in Women's Rights). In: *Pazhūhish-i Zanān (Women's Research)*, no.3, p.67-85. [in Farsi]
- Deputy of Statistics and Informatics of the Civil Registration Organization. 2010. Collection of National Demographic Statistics (Birth, Death, Marriage, Divorce) (June 2010). No.4, in: <https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/eteljamiyat88.pdf>
- Ḍīyāyīfar, Sa‘īd. 2010. "Guni-hāyi Ta‘thīr-i Akhlāq dar Fiqh wa Ijtihād (Types of the Effect of Ethics in Jurisprudence and Ijtihad). In: *Fiqh (Jurisprudence)*, yr.17, no.64, p.166-201. [in Farsi]

Dīyāyīfar, Sa'īd; Fīrūzī, Murtidā. 2017. "Şifāt-i Akhlāqī-yi Ta'thīrguzār bar Ijtihād (Moral Traits Affecting Ijtihad)". In: *Pazhūhish-hāyi Akhlāqī (Ethical Research)*, yr.7, no.4, p.1-13. [in Farsi]

Ghulām Jamshīshī, Muḥammad Şādiq. 2009. *Isrāf dar Quran wa Ḥadīth (Extravagance in Quran and Hadith)*, Tehran: International Publishing Company. [in Farsi]

"Guzārish-i Miydānī-yi Hamshahrī Ānlāyn az Bahānih-hāyi Jadīd wa Kuhnih-yi Judāyī; Şaf-i Mihrīyih dar Rūzigār-i Sikkīh-yi Dah Milyūnī, Riwayat-hāyi Talkh az Izdihām barāyi Bidih Bistān-i Mihrīyih dar Dafātir-i Asnād-i Rasmī dar Durān-i Qirmiz-i Kurunā (Hamshahri Online Field Report on New and Old Excuses of Divorce; Mehr Queue in the Days of the 10 Million Toman Gold Coins, Bitter Reports of Overcrowding for Mehr Debt in Notary Public Offices during Corona Red Age)". 8/25/2020, <https://www.hamshahrionline.ir/news/543418/>

Ḥakīmī, Muḥammad Riḍā; Ḥakīmī, Muḥammad; Ḥakīmī, 'Alī. 2001. *Al-Hayāt (The Life)*, Translated by Aḥmad Ārām, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Farsi]

Ḥasanzādih, Şālih. 2013. "'Awāmil-i Taḥkīm-i Khāniwādih dar Farhang-i Islāmī (Factors of Family Consolidation in Islamic Culture)". In: *Ma'ārif Qurānī*, yr.4, no.15, pp.45-68. [in Farsi]

Ḥaskānī Ḥākīm, 'Ubiydullāh ibn Aḥmad. 1990. *Shawāhid al-Tanzīl li Qawā'id al-Tafā'il fī al-Āyāt al-Nāzilah fī Ahl al-Bayt (Ş)*, Researched by Sheikh Muḥammad Bāqir Maḥmūdī, Tehran: Islamic Culture Revival Assembly. [in Arabic]

Ḥillī, Ja'far ibn Ḥasan. 1989. *Al-Mukhtaşar al-Nāfi' fī Fiqh al-Imāmīyyah (The Useful Booklet on Imami Jurisprudence)*, Qom: Mu'assisah al-Bi'thah, Third Edition. [in Arabic]

Ḥurr 'Āmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. 2008. *Wasā'il al-Shī'ah ilā Taḥşil Masā'il al-Sharī'ah (Shiite Means of Accessing Sharia Issues)*, Qom: Tibyān. [in Arabic]

Ibn Bābiwayh, 'Alī. 1994. *Al-Muqni'*, Qom: Imam Hādī Institute. [in Arabic]

Imāmī, Ḥasan. 2007. *Ḥuqūq-i Madanī (Civil Rights)*, Tehran: Islāmīyah Bookstore, Eighteenth Edition. [in Farsi]

Ja'farī, Muḥammad Taqī. 1990. *Ḥikmat-i Uşūl-i Sīyāsī-yi Islām (The Wisdom of the Political Principles of Islam)*, Tehran: Bunyād Nahj al-Balāghah. [in Farsi]

Jones, Peter. 2008. *Maḥāhīm-i Bunyādīn-i Ḥuqūq (Basic Concepts of Law)*, Translated by Siyyid Riḍā Ḥusīynī, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [in Farsi]

- Kātūziyān, Nāšir. 2004. *Qawā'id-i 'Umūmī-yi Qarārdād-hā (General Rules of Contracts)*, Tehran: Intishār Joint-Stock Company, Sixth Edition. [in Farsi]
- Kātūziyān, Nāšir. 2006. *Qawā'id-i 'Umūmī-yi Qarārdād-hā (General Rules of Contracts)*, Tehran: Intishār Joint-Stock Company, Seventh Edition. [in Farsi]
- Kuliynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. 1987. *Al-Kāfī*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah. [in Arabic]
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. 1983. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi'ah li Durar Akhbār al-A'imah al-Aḥḥār (Oceans of Light, the Collection for Pearls of Narrations of the Infallible Imams)*, Beirut: Alwafā'. [in Arabic]
- Makārim Shīrāzī, Nāšir. 2008. *Anwār al-Fiqāhah fī Sharḥ Tahrīr al-Wasīlah: Kitāb al-Nikāḥ (The Lights of Jurisprudence in Explaining Tahrīr al-Wasīlah: The Book of Marriage)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khumaynī's Works, First Edition. [in Arabic]
- Mashāyikh et al., 2012. "Nawasānāt-i Qiymat-i Ṭalā dar Bāzār-i Iran wa Jahān (Gold Price Fluctuations in the Iranian and World Markets)". In: *Pazhūhish Hīsābdārī (Accounting Research)*, yr.2, no.7, pp.101-124. [in Farsi]
- Mūsawī Khumaynī, Siyyid Rūḥullāh. 1994. *Anwār al-Hidāyah fī al-Ta'līqah 'alā al-Kifāyah*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khumaynī's Works, vol.2. [in Arabic]
- Mūsawī Khumaynī, Siyyid Rūḥullāh. 2010. *Ṣaḥīfih Nūr*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khumaynī's Works, Fifth Edition. [in Arabic]
- Muṭahharī, Murtiḍā. 1989. *Islam wa Muqtaḍiyāt-i Zamān (Islam and the Requirements of the Time)*, Tehran: Ṣadrā. [in Farsi]
- Muṭahharī, Murtiḍā. 1994. *Islam wa Muqtaḍiyāt-i Zamān (Islam and the Requirements of the Time)*, Tehran: Ṣadrā. [in Farsi]
- Muṭahharī, Murtiḍā. 1998. *Khatm-i Nabuwwat (The End of Prophecy)*, Tehran: Ṣadrā. [in Farsi]
- Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. 2015. *Mi'rāj al-Sa'ādah*, Qom: Payām Quds, Fourth Edition.
- Narāqī, Mullā Aḥmad. 1996. *'Awā'id al-Ayyām fī Bayān Qawā'id al-Aḥkām (The Benefits of the Days in Expressing the Principles of the rulings)*, Qom: Seminary Islamic Propaganda Office, First Edition. [in Arabic]

- Qanawātī, Jalīl; Wahdatī Shubiyārī, Siyyid Ḥasan; ‘Abdīpūr, Ibrāhīm. 2000. *Huqūq-i Qarārdād-hā dar Fiqh-i Imāmīyih (Contract Law in Imami Jurisprudence)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Qulīzādīh, Āzar; Ghaffārīyān, Saḥar. 2011. "Āsībshināsī-yi Mīhrīyih wa ‘Awāmil-i Farhangī, Ijtīmā’ī wa Iqtisādī-yi Mu’aththir bar Ān (Pathology of Mehr and Cultural, Social and Economic Factors Affecting It)". In: *Jāmi’ihshināsī-yi Zanān (Sociology of Women)*, yr.2, no.1, pp.121-140. [in Farsi]
- Rahīmī Iṣfīhānī, Ghulām Ḥusīyn. 1989. *Akhlāq-i Islāmī (Islamic Ethics)*, Qom: Mu’allif. [in Farsi]
- Ritzer, George, 2013. *Naḍarīyih-yi Jāmi’ihshināsī dar Durān-i Mu’āṣir (Sociological Theory in the Contemporary Era)*, Translated by Muḥsin Thulāthī, Tehran: ‘Ilmī, Eighteenth Edition. [in Farsi]
- Ṣafāyī, Siyyid Ḥasan; Imāmī, Asdullāh. 2010. *Mukhtaṣar-i Huqūq-i Khāniwādīh (Brief Family Law)*, Tehran: Mīzān, Twenty-fifth Edition. [in Farsi]
- Safīrī, Khadījīh; Wadādīhūr, Abū ‘Alī; Ṭalībī Ardakānī, Sumayyih. 2009. "Barsākt-i Ijtīmā’ī wa Farhangī-yi Mas’alih-yi Ijrayī Mīhrīyih dar Iran: Muṭālī’ih-yi Kiyfī-yi Angīzīh-hāyi Zanān-i Shīrāzī az bi Ijra Guzārdan-i Mīhrīyī-hāyi Khud (Social and Cultural Construction of the Issue of Mehr Enforcement in Iran: A Qualitative Study of Shirazi Women's Motivations to Enforce Mehr)". In: *‘Ulūm Ijtīmā’ī (Social Sciences)*, yr.16, no.44, p.89-121. [in Farsi]
- Shahīdī, Mahdī. 1989. "Qudrat bar Taslīm Murid Mu’āmilīh (Power over the Delivery of the Traded Goods)". In: *Kānūn Wukalā (Lawyers Association)*, no.148 & 149, p.89-103. [in Farsi]
- Shāṭirī, Rūḥullāh. 2013. *Mas’ūliyat-i Akhlāqī Ḥukūmat-i Dīnī (Moral Responsibility of Religious Government)*, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [in Farsi]
- Shāyḡān, Siyyid ‘Alī. 1996. *Huqūq-i Madanī (Civil Law)*, Qazwīn: Ṭāhā, First Edition. [in Farsi]
- Shīrawī, ‘Abd al-Ḥusīyn. 2015. *Huqūq-i Tijārat-i Biynulmilal (International Business Law)*, Tehran: Samt, Eighth Edition. [in Farsi]
- Ṭabarsī, Abū ‘Alī Faḍl ibn Ḥasan. 1994. *Majma’ al-Bayān fī Tafṣīr al-Qurān (Collection of Statements in the Interpretation of the Qurān)*, Researched by A Committee of Specialized Scholars and Researchers, Beirut: Mu’assisah al-‘Alamī li al-Maṭbū‘āt. [in Arabic]

- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1986. *Tahdhīb al-Aḥkām (Refinement of Rules)*, Collected by Muḥammad Ākhūndī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, Fourth Edition. [in Arabic]
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1990. *Al-Ghaybah (Occultation)*, Beirut: Al-Ma‘ārif al-Islāmīyah (Islamic Teachings).
- Ṭūsī, Naṣīr al-Dīn Muḥammad. 1994. *Akhlāq Nāṣirī*, Edited by Mujtabā Mīnawī & ‘Alī Riḍā Ḥiydarī, Tehran: Khārazmī.
- Vice Presidency for Women and Family Affairs). 2016. Report on the Status of Women and Family in accordance with the Statistics during the Years 1390-1395, in: <http://women.gov.ir/uploads/images/gallery/ejtemaee/mostanad/ayene.pdf>